



دبیران درس دین و زندگی در استان  
هرمزگان خطاب به مؤلفان کتاب:

## دوگانگی بین دانش آموزان علوم انسانی و دیگر رشته‌ها ارافع کنید

مهدی مروجی  
رمضانعلی ابراهیمزاده گرجی

افزایش جاذبه بصری، اظهار نظر بفرمایید؟

شهریاری مقدم: رنگ‌ها در کتاب پایه دوازدهم نقشی در جاذبه بصری ندارند. آیات کتاب رشته انسانی بدون ترجمه است، ولی برای رشته تجربی با ترجمه آمده است. این تفاوت سبب می‌شود که دانش‌آموزان تجربی، خود را برای ترجمه به زحمت نیندازند، ولی در رشته انسانی بچه‌ها خود را درگیر می‌کنند. یکی از علت‌های این امر آن است که زمان تدریس در رشته انسانی چهار ساعت و در رشته تجربی دو ساعت است.

● لطفاً پاسخ را متوجه پرسش کنید. به موارد دیگر خواهیم رسید.

شهریاری مقدم: بچه‌ها می‌گویند که: آیات جداگانه، یا در انتهای کتاب، همراه با ترجمه و شأن نزول یا حتی در کتابچه‌های می‌آمدند تا می‌توانستند در صورت لزوم و نیاز بدان رجوع و از آن استفاده کنند. در نظرسنجی هم، همین نکته را اعلام کردم، ولی از آن نظرسنجی چیزی را در این کتاب نمی‌بینم.

منشدی پور: به نظر بنده اگر آیات قرآنی لابه‌لای مطالب کتاب باشند، بهتر است. چرا؟ به این علت که اسم کتاب «دین و زندگی» است و ما می‌خواهیم قرآن در متن زندگی جاری باشد و بچه‌ها حس نکنند که قرآن از زندگی جداست.

روش کارم در کلاس این است که با تدریس قرآن شروع می‌کنم و دانش‌آموزی که صوت خوبی دارد و بچه‌ها دوست دارند که او بخواند، قرآن را قرائت می‌کند. بعد اجازه می‌دهم تک‌تک دانش‌آموزان

### اشاره

زهرآ شه‌یاری مقدم، فریده منشدی پور و فرحناز پورنظر سه تن از دبیران با سابقه درس دین و زندگی در ناحیه یک آموزش و پرورش شهر بندرعباس‌اند. آنچه می‌خوانید، حاصل گفت‌وگو با این همکاران درباره کتاب «دین و زندگی» پایه دوازدهم است.

● بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، ضمن ابلاغ سلام مؤلفان کتاب‌های دین و زندگی و خانواده رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی خدمت شما همکاران محترم در مرکز استان هرمزگان - بندرعباس - آنچه در نقد کتاب دین و زندگی پایه دوازدهم در این گفت‌وگو خواهید فرمود، از طریق مجله رشد به آنان خواهد رسید. پرسش را از وضعیت ظاهری کتاب آغاز کنیم. می‌توانید درباره کیفیت جلد کتاب، عکس‌ها و طرح‌های داخل صفحه‌های کتاب، اندازه حروف، رنگ و آنچه مربوط به گرافیک و چشم‌انداز زیبایی‌شناسی و بصری کتاب می‌شود، با دید اصلاحی و برای

آیات را بخوانند. البته ترجمه آیات نیز خوانده می‌شود تا با موضوع درس آشنا شوند. وقتی وارد متن درس می‌شویم، به کزات به آیات اول درس برمی‌گردم و بدین ترتیب بچه‌ها را متوجه این نکته می‌کنم که آیات اول درس با محتوای آن ارتباط دارند.

### ● شما هم درباره سؤال چیزی نفرمودید!

**منشدهی پور:** بچه‌ها می‌گویند چرا مناره روی جلد به وضوح نیامده و هلال آن نیز نامشخص است؟  
**پور نظر:** در کل تصاویر کتاب خوب هستند؛ آن هم از نظر من معلم، ولی برای دانش‌آموزان باید بهتر و با جاذبه بیشتر تدارک شود.

**منشدهی پور:** رنگ‌ها خیلی ملایم هستند. وقتی کتاب را باز می‌کنیم، این رنگ آبی ملایم خیلی آرامش‌بخش است، البته برخی از دانش‌آموزان می‌گویند، این رنگ اول صبح کمک می‌کند که سرکلاس بخوابیم.

**پور نظر:** تصویر و طرح روی جلد امکان بهتر شدن دارد؛ البته با توجه به آنچه دانش‌آموزان سرکلاس می‌گویند، عرض می‌کنم، بچه‌ها دوست دارند، جلد کتاب هم گیرایی داشته باشد و هم پیام را به‌گونه‌ای انتقال دهد که زود قابل درک باشد.

**شهریاری مقدم:** اگر رنگ‌ها را با توجه به موضوع درس انتخاب می‌کردند، خیلی بهتر بود و تنوع ایجاد می‌کرد.

● اگر شما مؤلف کتاب بودید، کدام یک از عنوان‌های درس را حذف می‌کردید، چرا؟ چه درسی را با چه عنوان اضافه می‌کردید، چرا؟

**پور نظر:** اگر مؤلف بودم، درس هشتم، یعنی «احکام الهی در زندگی امروز» تعدیلش می‌کردم، زیرا بچه‌ها با این درس به دلیل تناقض‌هایی که می‌بینند، خیلی مشکل دارند. البته این تناقض‌ها بین احکام اسلامی و آنچه در جامعه وجود دارد، بچه‌ها رغبت کمتری دارند. وقتی می‌خواهم این درس را بگویم، می‌گویند اجازه بدهید خودمان بخوانیم. می‌گویند: یا سؤال دارند چطور ممکن است چیزی حلال باشد و پس از مدتی همان چیز حرام شود؟! البته الان در این درس مؤلفان یادآوری کرده‌اند که فکر نکنید همه چیز حرام است.

تجربه کاری بیست و چند ساله به من آموخته است که قبل از ورود به بحث احکام اسلامی، از امور انسانی شروع کنیم. اول باید انسان باشیم. برای مثال، اگر در خانواده بخواهیم به بچه بگوییم دروغ

نگو، بگوییم دروغ گویی از نظر انسانی غلط است، نه اینکه بگوییم، اگر دروغ بگویی خدا چه کارت می‌کند! همین نوع آموزش‌های نادرست را سبب می‌شوند که تصویر ناخوشایندی از خدا در فکر و ذهن بچه‌ها به وجود بیاوریم. یا چرا بچه‌ها را تا این حد از جهنم می‌ترسانیم؟ آن هم برای یک اشتباه کوچک که برای هر کسی ممکن است پیش بیاید. در کارم بچه‌ها را تشویق می‌کنم که انسان باشند. انسان خوب، زبانه را توی کوچه و خیابان نمی‌ریزد، زیرا از نظر انسانی ریختن زبانه در خیابان نادرست است. از این طریق می‌رسم به اینکه احکام اسلامی نیز برای ساختن انسان آمده‌اند تا بچه‌ها به دین جذب شوند.

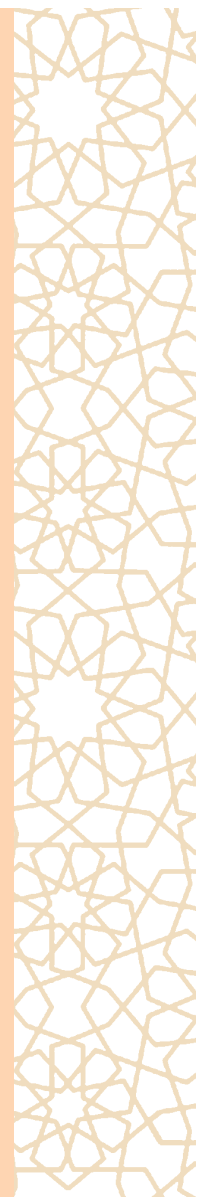
بنابراین درس هشتم را باید تعدیل و به کلیات آوردن احکام بسنده کنیم. علت احکام را بگوییم و اینکه چرا این حکم را خداوند قرار داده است. وقتی کلیات گفته شوند، بچه‌ها می‌توانند مصداق را برای تطبیق با حکم کلی پیدا کنند. وارد شدن به جزئیات، در کلاس تنش به‌وجود می‌آورد.

**شهریاری مقدم:** بخش اول کتاب برای تدریس واقعاً سخت‌تر از بخش دوم است. بچه‌ها نیز همین نظر را دارند که بخش دوم (در مسیر) آسان‌تر از بخش اول (تفکر و اندیشه) است. اگر من مؤلف بودم، این دو بخش را ادغام و یک در میان می‌آوردم. یا درس پنجم (قضا و قدر) را روشن‌تر بیان می‌کردم. این درس برای بچه‌ها به‌غول تبدیل شده است. در رشته انسانی که ساعت تدریس بیشتر است، گاهی وقت اضافه می‌آوریم. در این وقت اضافی طبق برنامه‌ریزی کارهایی را می‌کنم یا حرف‌هایی را که بچه‌ها دوست دارند، می‌زنم. زیرا معلم دینی در اولین مرحله باید برای خود جایی در دل بچه‌ها باز کند و بچه‌ها به او اعتماد داشته باشند تا حرف‌هایش را با جان و دل بپذیرند. سال‌هاست این کار را انجام می‌دهم و پس از سال‌ها که یکدیگر را می‌بینیم، از همین نوع آموزش‌ها ذکر خیر می‌کنند. برگردم به پاسخ سؤال؛ پاسخ برخی از نیازهای بچه‌ها هم به درس اضافه می‌کردم؛ آن هم در ابتدای درس و نه در پایان آن. یعنی در ابتدای هر درس کتاب این کار را می‌کردم.

**منشدهی پور:** من امسال درس پایه دوازدهم را ندارم، ولی سال‌های پیش داشتیم. من قبل از شروع درس هشتم، از بچه‌ها می‌خواستم، مسألی را که به‌طور روزمره با آن‌ها درگیرند و مشکل دارند، مطرح کنند. برای مثال شرب‌بخاری، قمار یا اینکه چه مواردی در اینترنت اشکال دارد. اکثر بچه‌ها از



**شهریاری مقدم:**  
بخش اول کتاب  
برای تدریس  
واقعاً سخت‌تر  
از بخش دوم  
است. بچه‌ها نیز  
همین نظر را دارند  
که بخشی دوم (در  
مسیر) آسان‌تر  
از بخش اول  
(تفکر و اندیشه)  
است. اگر من  
مؤلف بودم، این  
دو بخش را ادغام  
و یک در میان  
می‌آوردم



**منشدی پور:**  
**بنده روی**  
**درس‌ها تأکید**  
**می‌کنم. در**  
**برخی از درس‌ها**  
**میزان تدبیر در**  
**قرآن زیاد است،**  
**مثل درس**  
**ششم با عنوان**  
**سنت‌های**  
**خداوند در**  
**زندگی که بحث**  
**در تدبیر قرآنش**  
**زیاد است**

فلسفه احکام بی‌اطلاع‌اند. برخی می‌گویند: یکی دو قطره چه اشکالی دارد؟ یا اگر الکل آن کم باشد که مست نمی‌کند!

ما نباید از این پرسش بچه‌ها هراس داشته باشیم که چرا حلال است یا چرا حرام است. اکثرشان مرجع تقلید هم ندارند. لذا باید به آنان تفهیم شود که حرام و حلال را افراد وضع نمی‌کنند، بلکه این حکم خداست. همان‌طور که در سال‌های گذشته خواندیم، هر حکم خداوند براساس مصلحتی وضع شده است تا انسان از مصالح و مفاسد آن آگاه شود و از مفسده دوری کند تا گرفتارش نشود. در حقیقت احکام خداوند برای بهبود وضع خود انسان قرار داده شده‌اند و رعایت آن‌ها برای کسی که به خداوند اعتقاد دارد، الزامی است.

یکی از درس‌های خیلی جدی، درس پنجم (قضا و قدر) است که نه تنها دانش‌آموزان بلکه تمام آدم‌ها با هر سن و سال و در هر مقام و منصب با آن درگیرند. اینکه بچه کوچک گاهی می‌پرسد: «چرا این باید مامان من باشد؟» حرف قضا و قدری است، ولی خودش نمی‌داند.

با این حال در کتاب، مصادیق فوق‌العاده اندک‌اند. زیرا آوردن مصادیق به بچه‌ها کمک می‌کند که با وقایع زندگی خودشان کار تطبیقی انجام دهند. به‌طور کلی بنده در مقام مؤلف، دنبال حذف نمی‌روم، بلکه در جاهای لازم مصادیق روزآمد می‌آورم تا برای دانش‌آموزان درک موضوع و مباحث آسان‌تر شود.

● یکی از هدف‌های مؤلفان با آوردن قسمت‌هایی مانند «تدبیر در قرآن»، «اندیشه و تحقیق»، «تفکر»، «بررسی»، «پاسخ به سؤالات»، از یک سو جلب مشارکت دانش‌آموزان و فعال کردن آنان در کلاس و درس، و از سوی دیگر، تشویق آنان به تفکر و اندیشه‌ورزی است، به‌نظر شما آیا این هدف‌ها قابلیت تحقق دارند، یا مواعی وجود دارند که امکان عملیاتی کردن چنین کارهایی را از معلم و دانش‌آموز می‌گیرند؟

**پورنظر:** پیشنهاد من این است که در هر درس دو تا سه آیه بیاید. زیرا هم بچه‌ها زودتر یاد می‌گیرند، و هم سؤال‌های سخت‌کنکور برایشان آسان‌تر می‌شود. بچه‌ها گله دارند که بیشترین مشکلشان در کنکور، تشخیص ارتباط آیات با مفهوم است. طراحان خیلی دو پهلو سؤال‌ها را طرح می‌کنند. لذا خوب است از تعداد آیات کاسته شود. البته بنده نظر به حذف ندارم، زیرا تدبیر در آیات مفید است.

**شهریاری مقدم:** اولاً فرصت لازم را نداریم. ثانیاً

دانش‌آموزان دو گروه هستند: گروهی که به تدبیرها خیلی علاقه دارند و اهل تفکر و اندیشه‌اند، و گروه دیگری که اصلاً تدبیر را دوست ندارند. البته عده‌ای از بچه‌ها هم می‌گویند: بهتر بود این موارد را در پایان درس می‌آوردند تا می‌فهمیدیم، این موارد در درس نقش اساسی دارند.

اما به نظر من کار خوبی است که بچه‌ها را به تدبیر و اندیشه دعوت کنیم. نکته‌هایی که هنگام نقل آیات می‌خواستیم مطرح کنیم، به داخل چارچوب (کادر) منتقل شده‌اند که در مجموع کار و اقدام مناسبی است.

**منشدی پور:** بنده روی درس‌ها تأکید می‌کنم. در برخی از درس‌ها میزان تدبیر در قرآن زیاد است، مثل درس ششم با عنوان سنت‌های خداوند در زندگی که بحث در تدبیر قرآنش زیاد است. خوب بود که این مطالب را لایه‌لای مطالب متن درس قرار می‌دادند تا دانش‌آموزان هر عنوانی را که می‌خوانند، تدبیر مربوط به آن را هم همان‌جا یاد می‌گرفتند. اما بر خلاف این درس در برخی از درس‌ها بخش تدبیر کم است. اگر آیه قرآنی را به عنوان مصداق عنوان می‌آوریم، می‌خواهیم بچه‌ها در آن آیه تدبیر کنند که کار خیلی خوبی است و باید در این درس بیشتر شود. بهتر است مصادیق را از آیات و داستان‌های قرآنی بیآورند. حرف بنده این است که: روشی در تأثیرگذاری مؤثرتر است که همراه با عنوان درس باشد و تدبیر نیز همان‌جا صورت گیرد و از متن درس تفکیک نشود.

● ارزشیابی هم موردنظر معلمان است و هم موردنظر دانش‌آموزان، در ابتدای کتاب زیر عنوان «سخنی با دبیران»، مؤلفان شیوه ارزشیابی را تشریح کرده‌اند. آیا این نوع ارزشیابی با عنایت به نمره‌گذاری و امتحان و نتایج حاصل از آن مناسب است؟

**پورنظر:** این نوع ارزشیابی خوب است. بنده با روش ارزشیابی قبلی مخالف بودم که ۸ نمره برای قرائت و ۱۲ نمره برای امتحان کتبی مقرر شده بود. دانش‌آموز ۸ نمره را از قبل برای خودش کنار می‌گذاشت و حق خودش می‌دانست که باید به وی داده شود. حتی به نیم نمره و بیست‌وپنج صدم اعتراض می‌کرد که چرا از ۸ نمره‌اش کم شده! الان البته ۴ نمره را هم حق خودشان می‌دانند. به‌طور کلی شیوه ارزشیابی کنونی را قبول دارم.

**منشدی پور:** بنده هم با همکار محترم پورنظر هم‌رأی هستم. ارزشیابی و نمره‌گذاری امسال خیلی خوب است.

انجام فعالیت‌های داخل درس، مثل تدبیر یا فعالیت‌های کلاسی را هم داریم. «حضور فعال در فرایند تدریس» و مشارکت نیز در زمره فعالیت‌های کلاسی قرار می‌گیرد. بحث «ارزشیابی مستمر» مورد سوم مؤلفان، خوب است تا میزانی کم شود و به‌طور مشخص تعیین شود که به چه چیز نمره می‌دهیم و از ۵ نمره به ۸ نمره برسد. یعنی ۱۰ نمره برای مشارکت در فعالیت‌های کلاسی، ارزشیابی هم که انجام می‌شود، و ۲ تا ۳ نمره را خود دبیر برای کارهای خاص مقرر کند که دانش‌آموزان سر کلاس انجام می‌دهند؛ مثل دادن کنفرانس، آماده کردن پاورپوینت، همکاری در مراسم مختلف، خطاطی، مشارکت در اجرای سرود، و مانند این‌ها. یعنی ارزشیابی‌ها باید ریزتر و مشخص‌تر شوند.

**پورنظر:** البته این کار را خود دبیر می‌تواند بکند.

**منشدی پور:** بله! اما به دلیل امتحان نهایی باید طوری باشد که به هیچ دانش‌آموزی اجحاف نشود و از رفتار سلیقه‌ای دبیران که هر طور بخواهند نمره بگذارند، جلوگیری کند. من مثلاً در نمره دادن دست و دل بازم، ولی دبیر دیگری سخت‌گیری می‌کند که این تفاوت خوب نیست و اثر سوء روی بچه‌ها می‌گذارد.

**شهریاری مقدم:** به‌نظر من ۴ نمره الان، هم برای قرائت زیاد است، چه برسد به ۸ نمره پارسال! حداکثر نمره قرائت باید ۲ تا ۳ نمره باشد و نسبت ۱۷ و ۳ خیلی مناسب است.

● **با توجه به حجم درس‌ها و زمان تدریس موجود، آیا در پایان سال می‌توانید به خودتان بگویید خدا را شکر! موفق شدم چنان که باید کتاب را به پایان ببرم و هر درس را در حد کفایت چنان تدریس کرده‌ام که بچه‌ها بفهمند و راضی باشند؟ جدا از حواشی کار، موضوع را بررسی کنید.**

**پورنظر:** برای تدریس کتاب پایه دوازدهم مشکلی ندارم و ۲ ساعت کفایت می‌کند. حتی تست کار می‌کنم و آزمون‌های زیادی می‌گیرم. بچه‌ها می‌گویند از درس دینی بیشترین نمره را می‌گیرند. اما در پایه‌های دیگر مشکل دارم و وقت کم می‌آورم.

**منشدی پور:** من هم مشکلی نداشتم. زیرا خود بچه‌ها در سال دوازدهم با جدیت بیشتری درس می‌خوانند.

**شهریاری مقدم:** امسال من هم در رشته انسانی و هم در رشته تجربی تدریس می‌کنم و با کمبود زمان مواجه نمی‌شوم. فکر می‌کنم برای انسانی ۴ ساعت زیاد است، زیرا با تجربی یکی دو درس فرق دارد. این تفاوت دو برابر نیست که ۴ ساعت تدریس به آنان اختصاص داده‌اند. ۳ ساعت برای رشته انسانی کافی است. ۴ ساعت موجب خستگی بچه‌ها می‌شود.

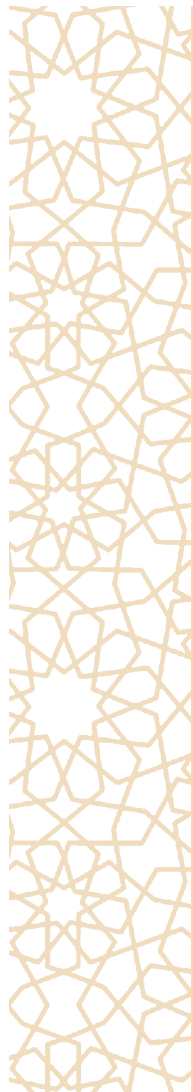
● **در جاهای دیگر همکاران می‌گفتند، مگر دینشان با هم فرق می‌کند که از نظر حجم درس و ساعت تدریس بین دانش‌آموزان رشته علوم انسانی و تجربی تفاوت گذاشته‌اند؟** (هر سه نفر و همکاران می‌گویند حرف و اعتراض ما به این نکته است.)

**پورنظر:** بنده همیشه ناراحتم که چنین تمایزی بین بچه‌ها قائل شده‌اند. این کار اشتباه بزرگی است. خود دبیر هم هنگام طرح سؤال گیج می‌شود. برای طرح سؤال باید برگ برگ کتاب را نگاه کنم، زیرا برای انسانی توضیح بیشتری آورده‌اند. این تمایز سبب ناراحتی بچه‌ها شده است. درباره ساعت تدریس رشته‌ها نیز با نظر خانم شهریاری موافقم.

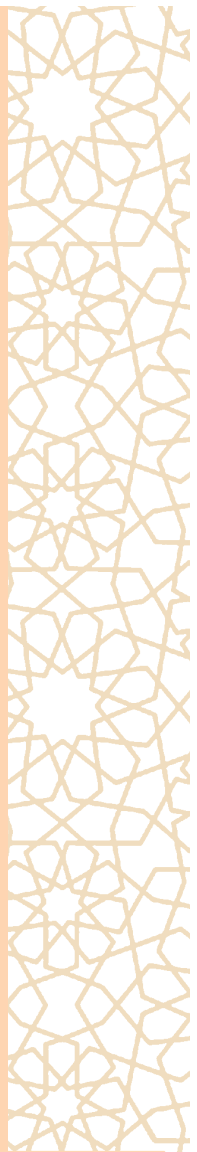
**شهریاری مقدم:** ای کاش مثل قبل می‌شد. من معلم در یک روز باید شش جلد کتاب را با خودم حمل کنم؛ آن هم با وضع جسمی بد و داشتن دیسک گردن و کمر؛ به‌ویژه که خود را موظف می‌دانم کتاب‌ها را ببرم، زیرا عادت ندارم از دانش‌آموز کتاب بگیرم.

● **یکی از مسائل مطرح در کلاس، فعال بودن دانش‌آموزان و مشارکت آنان در امور درسی است. به‌نظر شما این اصل در کلاس شما تحقق می‌پذیرد تا بتوانید، با داشتن فرصت و رغبت از یک‌سو و با وجود رغبت دانش‌آموزان از سوی دیگر، آنان را در فرایند یادگیری مشارکت بدهید؟**

**پورنظر:** از این روش در کلاس‌هایم زیاد استفاده می‌کنم. در اولین جلسه هر سال، درباره کنفرانس، تحقیقات و ساخت وسایل کمک آموزشی توسط دانش‌آموزان صحبت می‌کنم. بچه‌ها هم در هر سه کار همکاری می‌کنند. تاکنون حاصل کار و فعالیت آنان را در نمایشگاه مدرسه یا در سطح گروه در معرض دید قرار داده‌ام. گاهی بچه‌ها کارهای جالبی می‌کنند که برای من قابل تصور نبوده است. برای مثال، یکی از دانش‌آموزان ماکت حدیثی از امام صادق (ع) را درست کرده بود. بچه‌هایی داریم که موضوع کنفرانس جالبی



**پورنظر:** برای تدریس کتاب پایه دوازدهم مشکلی ندارم و ۲ ساعت کفایت می‌کند. حتی تست کار می‌کنم و آزمون‌های زیادی می‌گیرم. بچه‌های دینی بیشترین نمره را می‌گیرند. اما در پایه‌های دیگر مشکل دارم و وقت کم می‌آورم.



**شهریاری**  
**مقدم: تشویق**  
**از طریق نمره**  
**دادن اهمیت**  
**دارد و در**  
**حقیقت نمره**  
**در ترغیب**  
**دانش آموزان**  
**به مشارکت**  
**خیلی مؤثر**  
**است. البته**  
**برخی از بچه‌ها**  
**را، حتی نمره به**  
**میدان فعالیت**  
**و همکاری**  
**نمی‌کشاند**

را انتخاب می‌کنند، آن را هم خوب می‌پروارند و بیان جالبی هم دارند. یا چند هفته پیش در حیاط مدرسه، جمعشان کردم، تخته هم گذاشتم و تدریس کردند. بسیار همه راضی بودند. یعنی در تمام روش‌ها سعی در جذب آنان داریم.

**منشدهی پور:** معمولاً روش تدریسم با فصل سال ارتباط دارد، اینکه هوا گرم است یا خنک. مدرسه‌ای که در آن تدریس می‌کنم، حیاط خیلی بزرگی دارد و فضای سبزی هم پشت مدرسه قرار دارد. گاهی که هوا ابری است و نهم باران می‌آید، در هوای آزاد، زیر باران درس می‌دهم تا خاطره‌ای ماندگار برایشان باشد. در بندر عباس اکثر فصل‌ها هوا گرم است و مجبوریم در کلاس بمانیم. بنده هم در اولین روز سال تحصیلی، کارهایی را که دانش‌آموزان باید در پایان سال انجام بدهند، تشریح می‌کنم و می‌گویم برای فراموش نشدن، در برگ سفید اول کتابتان بنویسید. برای کنفرانس، دانش‌آموزان موضوع‌های خوبی را انتخاب می‌کنند؛ مثل مدگرایی در جامعه، انواع اعتیاد رایج در جامعه ما خواندن کتاب و خلاصه کردن محتوا و بیان آن در کلاس از دیگر فعالیت‌های بچه‌هاست و خوش‌بختانه مدرسه ما کتابخانه دارد و انتخاب کتاب هم آسان است. این نوع فعالیت‌ها خیلی مؤثر و نشاط‌انگیز هستند.

● **برخی از همکاران می‌گویند فرصت مشارکت دانش‌آموزان را نداریم، اما شما انگار فرصت‌سازی می‌کنید تا بچه‌ها به فعالیت مثبت و سازنده بپردازند.**

**شهریاری مقدم:** کار بنده هم شبیه کار همکاران است و تکرار نمی‌کنم. هر سه نفر ما در مدارس خاص، مدارس عادی و مدارس غیرانتفاعی تدریس می‌کنیم. فعالیت بچه‌ها در مدارس خاص خیلی خوب است. در این مدارس اگر بگویم پاورپوینتی آماده کنند، به راحتی از عهده این کار برمی‌آیند و از حاصل کارشان در جای دیگری استفاده می‌کنم. در مدارس عادی بچه‌های رشته علوم انسانی چندان به مشارکت رغبت دارند که گاهی احساس می‌کنم در میانشان گم شده‌ام. واقعاً بچه‌ها دوست دارند، خودشان کاری انجام دهند.

● **فکر می‌کنید موضوع‌های درسی کتاب جالب‌اند که بچه‌ها جذب می‌شوند یا**

**شیوه‌های رفتاری و روش تدریس همکاران محترم زمینه مشارکت را فراهم می‌کند؟**

**پورنظر:** هر دو مؤثرند. نمره‌ای هم که برای مشارکت لحاظ می‌شود، بر تشدید فعالیت می‌افزاید.

**شهریاری مقدم:** تشویق از طریق نمره دادن اهمیت دارد و در حقیقت نمره در ترغیب دانش‌آموزان به مشارکت خیلی مؤثر است. البته برخی از بچه‌ها را، حتی نمره به میدان فعالیت و همکاری نمی‌کشاند. با این حال باید منصفانه بگویم که علاقه بچه‌ها به مشارکت درونی است.

**منشدهی پور:** نیم‌سالی که گذشت، یکی از دانش‌آموزان کنفرانسی داد. وقتی به بحث تعیض‌ها رسید، آن را به سهمیه‌های کنکور ارتباط داد. با این کنفرانس‌ها، بچه‌ها اطلاعات تازه‌ای درباره موضوع‌ها پیدا می‌کنند یا فکرشان تغییر می‌کند. آنچه از طریق کنفرانس‌ها و بحث‌ها یاد می‌گیرند، ماندگارتر از آن مطالبی است که در کتاب می‌خوانند. زیرا گفت‌وگوها و پرسش و پاسخ‌ها شکل خاطره دارند و در یادها بیشتر می‌مانند و مؤثرترند.

● **نظر شما درباره تغییر ساعت کلاس از چهار ساعت به دو ساعت چیست؟**

**منشدهی پور:** نباید بین رشته انسانی و تجربی فرقی باشد. دو ساعت برای بچه‌های سال دوازدهم خوب است، اما برای تراز کردن ساعت‌های تدریس رشته‌ها، نه دو و نه چهار ساعت، بلکه سه ساعت کفایت می‌کند.

**پورنظر و شهریاری مقدم:** با نظر همکاران موافقیم که برای تمام رشته‌ها سه ساعت باشد.

● **درباره کنکور بفرمایید. درباره شیوه طرح سؤال‌ها در کنکور و تأثیر آن بر آموزش درس دینی چه نظری دارید؟**

**پورنظر:** با توجه به کار کردن انواع سؤال‌ها با بچه‌ها در چند سال اخیر، متوجه شدم که در برخی از سؤال‌های کنکور اشکال صوری وجود دارد. یعنی سؤال خیلی طولانی است، با سه چهار جای خالی و دانش‌آموز متوجه نمی‌شود که طراح سؤال از وی چه می‌خواهد. این نوع سؤال‌ها دانش‌آموز را گیج می‌کنند. خود من باید درباره آن فکر کنم تا دریابم که سؤال چه



می‌گوید و چه می‌خواهد. ایراد دیگر این است که بین طرح سؤال از آیات و متن کتاب تعادلی برقرار نیست. طراحان بیشتر می‌خواهند بین آیات و متن درس ارتباط برقرار کنند. در حالی که از متن درس خیلی کم سؤال استخراج می‌کنند که همه دانش‌آموزان معترض‌اند.

**شهریاری مقدم:** همان‌طور که همکارم فرمود، اغلب سؤال‌های کنکور از آیات کتاب هستند. به بچه‌ها می‌گویم متوجه باشند که آیات مطابق با همان درس است و درس مفهوم آیات را بیان می‌کند. طراحان سؤال حتی اگر آیه‌ای در پی‌نوشت کتاب باشد و مؤلفان یادآوری کرده‌اند که نباید در کنکور مطرح شود، باز آن را در کنکور می‌آورند. یا در رشته انسانی آیاتی در متن آمده‌اند، ولی در تجربی در متن نیستند و در قسمت «بیشتر بدانیم» قرار دارند که نباید در سؤال مطرح شوند، ولی طراح از همین قسمت سؤال می‌سازد؛ گویا با مؤلفان کتاب و دانش‌آموزان لجاجت دارد. کار بدی می‌کند. روی هم رفته طرح سؤال‌های مفهومی کار را سخت می‌کند. برای تشویق بچه‌ها به آن‌ها گفتم اگر ۸۰ درصد به بالا جواب بدهند، امتیاز دارند.

**منشدهی پور:** نظر من این است که کنکور آن هم در درس دینی، در کار دبیر اختلال ایجاد می‌کند، زیرا در سال دوازدهم، تمام توجه بچه‌ها به این نکته معطوف است که بتوانند خوب تست بزنند، نه اینکه خوب یاد بگیرند و درک کنند. در حالی که عنوان کتاب «دین و زندگی» است و نه کنکور. دین باید در زندگی جاری شود و نه اینکه دین کمک کند که در کنکور قبول شود. دانش‌آموز در کنکور قبول می‌شود، ولی چیزی از دین نمی‌داند.

گاهی تست‌زنی را در کلاس تمرین می‌کنیم. عده‌ای با رغبت این کار را می‌کنند، ولی عده‌ای هم هیچ شوقی برای این کار ندارند. زیرا نه می‌خواهند در کنکور شرکت کنند و نه می‌خواهند به دانشگاه کنکوری بروند. می‌خواهند رشته‌های بدون کنکور دانشگاه آزاد بروند. وقتی برای کنکور سر کلاس وقت می‌گذارم، حق این دانش‌آموزان ضایع می‌شود. آنانی که می‌خواهند در کنکور شرکت کنند، باید بروند بیرون کار کنند.

متأسفانه نمی‌شود درس دینی را از کنکور حذف کرد. اگر حذف شود، آن وقت دانش‌آموزان به این درس

بی‌توجه می‌شوند. طرح بسیار ریزبینانه و مفهومی سؤال‌ها نیز سبب می‌شود بچه‌ها سطحی‌نگر شوند، فقط دنبال جواب بروند و در مسائل دینی تعمق و تفکر نکنند.

● **رسیدیم به این نکته که آنچه را فکر می‌کنید، در سؤال‌های ما مطرح نشده است، ولی لازم می‌دانید بیان کنید، در این فرصت بفرمایید.**

**پورنظر:** یکی از اشکالات موردنظر بچه‌ها درباره درس دینی این است که چرا دلیل عقلی برای احکام دینی کمتر هست؟ البته می‌گوییم که برخی از احکام ابتدایی دینی، تعبدی هستند و مسلمان باید آن‌ها را بپذیرد. می‌گویند: همیشه به ما بایدها و نبایدها را یادآور می‌شوند، بدون اینکه دلیل عقلی آن‌ها را بیان کنند. جوانان برای انجام دادن یا انجام ندادن هر کاری دنبال دلیل عقلی‌اند، تحکم را نمی‌پذیرند و در مقابل آن واکنش نشان می‌دهند.

● **گریزی هم بزنییم به مجله رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی. همکاران مجله شما انتظار دارند با آنان همکاری بفرمایید. مطالب و مسائل خود را به دفتر مجله بفرستید.**

**منشدهی پور:** سال‌های بیشتر، برخی از مجلات رشد را، مثل رشد معلم و رشد دانش‌آموز، زیاد به مدارس می‌فرستادند، ولی چند سالی است که این مجلات را هم نمی‌بینیم.

**شهریاری مقدم:** مدارس باید درخواست کنند. هر مجله رشدی را درخواست کنند، می‌فرستند.

**پورنظر:** اگر بدون هزینه باشد، بیشتر مورد استقبال قرار می‌گیرند. ضمن اینکه جاذبه مجله‌ها هم کم است.

**پورنظر: یکی از اشکالات موردنظر بچه‌ها درباره درس دینی این است که چرا دلیل عقلی برای احکام دینی کمتر هست؟ البته می‌گوییم که برخی از احکام ابتدایی دینی، تعبدی هستند و مسلمان باید آن‌ها را بپذیرد**